مهدی قینرلو مدرسه عالی فقه و اصول فاز ۴

درس شخص اعتباری جلد دو

مدرس: استاد مردانی زید عزه

هزینه استفاده : ذکر سه صلوات برای سلامتی حضرت حجت عجل الله فرجه الشریف

نکات مهم «مقدمات»:

رابطه بین شخص اعتباری وشخص طبیعی(حقیقی)، عموم وخصوص مطلق است

شخص طبیعی: عام مطلق

شخص اعتباری: خاص مطلق

درصورتی حکم برای شخص اعتباری ثابت میشود که وجود طبیعی وحقیقی دخیل در حکم نباشد

شخص اعتباری فاقد درک و اراده می باشد لذا امکان توجه تکلیف به آن معنی ندارد

اگر درباره تکلیف شخص اعتباری بحث میشود، در واقع بحث از تکالیفی است که متوجه ممثل (نماینده) شخص اعتباری میشود

امکان توجه تکلیف به خود شخص اعتباری با دو بیان:

۱. قائل باشیم که تکلیف یعنی صرف اعتبار فعل در ذمه شخص و یا صرف اعتبارنهی شخص از چیزی(توجه تکلیف به شخص اعتباری ثبوتاً)

۲. قائل باشیم که خطابات برای عموم مکلفین از جمله شخص اعتباری ثابت شده اند

درمقام اثبات دلیلی برای امکان توجه تکلیف به خود شخص اعتباری نداریم.

احکام تکلیفیه:

۱. در معاملات:

الف) فقط متوجه شخص طبیعی است مثل: احکام ازدواج‌وطلاق

ب) هم متوجه شخص طبیعی وهم شخص اعتباری است مثل:حرمت ربا، وجوب وفاء به عقد

۲. در عبادات:

الف) فقط متوجه شخص طبیعی است مثل: وجوب صوم وصلاه وحج

ب) هم متوجه شخص طبیعی وهم شخص اعتباری است مثل:وجوب خمس وزکات

بیشتر احکام وضعیه را میتوان درمورد شخص اعتباری متصور شد مثل: صحت وفساد، لزوم‌وجواز، جزئیت وشرطیت

🔴تصور حکم‌وضعی نسبت به اشخاص اعتباری صحیح است زیرا تکلیف به ممثل شخص اعتباری تعلق گرفته است

🔴قانونی که میگوید اصل اولی در مورد اشخاص حقیقی واشخاص اعتباری، تساوی آنها در حقوق و واجبات است، صحیح نیست وچنین اصلی ثابت نیست.

🔴تازمانی که دلیلی بر ثبوت تکلیف وحکم وضعی برای شخص اعتباری اقامه نشود، حکم به‌عدم ثبوت میشود و دلیل عدم ثبوت، برائت واستصحاب عدم است.

🔴شخص اعتباری و شخص حقیقی در معاملات بالمعنی الاخص یعنی عقود وایقاعات باهم اشتراک دارند و در این معاملات اصل اشتراک است یعنی هر عقد وایقاعی از جانب شخص اعتباری صادر شود به مقتضای عموم ادله «اوفوا بالعقود» صحیح میباشد

🔴نوع رابطه بین ممثل شخص اعتباری وخود شخص اعتباری چیست؟

نظریات مهم:

۱. نظریه وکالت

۲. نظریه نیابت قانونیه(ولایت وقیمومیت)

۳. نظریه جهاز یا رکنیت

✅نظریه اول: وکالت

🔴معنای کلمه وکالت:

۱. در لغت: واگذار کردن وسپردن عمل به دیگری و اعتماد کردن بر او

۲. در اصطلاح فقها:

اینکه شخص مسلط کند دیگری را بر یک‌معامله ای اعم از عقد یا ایقاع

🔴وکالت به معنای این نیست که ما فعل وکیل را نازل منزله فعل موکل قرار دهیم.

🔴وکالت درباره ممثل شخص اعتباری دو صورت دارد:

۱. وکیل بودن ممثل از جانب خود شخص اعتباری

۲. وکیل بودن ممثل از جانب افراد تشکیل دهنده شخص اعتباری

⭕ اشکالات مشترکه بین وکالت ممثل از جانب خود شخص اعتباری و افراد تشکیل دهنده شخص اعتباری👇

🔴اشکال ۱:

اگر زمان معین شده برای وکالت پایان رسد وکالت هم زائل میشود حال آنکه مدیران حتی بعد از اتمام زمان مدیریتشان مسئولیتشان استمرار دارد.

پاسخ:

۱. خود شرکت از همان ابتدا اجازه استمراذ مدیریت را تا زمان نصب مدیر جدید صادر کرده است

۲. شرکت وکالت موقت جدیدی را برای مدیر سابق در نظر میگیرد

۳. قانون استمرار این وکالت را تا تعیین مدیر جدید معتبر می داند

۴. استمرار مسئولیت ونفوذ تصرفات وکیل، با عنوان وکالت نیست بلکه مسئولیت دیگری به او اعطا میشود.

🔴اشکال ۲:

معقول نیست که در عین منصب وکالت، تصرفات وکیل بدون در نظر گرفتن نظر موکل نافذ باشد

پاسخ:

بعد از تشکیل شدن اشخاص حقوقی، شرکت از همان ابتدا تعهد میدهد که به جهت مصالح اجتماعی، تمامتصرفات مدیر ونماینده خود را بپذیرد

🔴اشکال ۳:

طبق نظریه وکالت، نباید تصرفات نماینده شخص حقوقی به شخص حقوقی نسبت داده شود در حالی که هر عملی که مدیر ونماینده شخص حقوقی انجام می دهد، به خود شخص حقوقی نسبت داده میشود، درنتیجه بطلان «نظریه وکالت» کشف میشود.

⭕اشکالات مختص به وکالت از طرف شخص حقوقی👇

🔴اشکال ۱:

در وکالت، بایستی موکل اهلیت تصرف داشته باشدولی از خودش از اهلیتش استفاده نکند و شخص دیگری را وکیل کند حال آنکه اشخاص حقوقی از اساس فاقد اهلیتبرای اقدام مباشری هستند لذا وکالت آنها منتفیست

پاسخ:

۱. عدم نیاز به وجود اهلیت واراده مستقل در موکل

۲. وکالت در عالمخارجاتفاق افتادع است چون نمایندگان اشخاص حقوقی(که اهلیت واراده دارند)،وکیل میگیرند تا از حقوق شخص حقوقی دفاع کنند

🔴اشکال۲:

شخصی که برای دفاع از حقوق شخص حقوقی وکیل میشود، درواقع وکیل از طرف مدیر شخص حقوقی هست نه خود شخص حقوقی

پاسخ:

درخارج این شخص وکیل ازطرف مدیر نیست بلکه‌اورا وکیل شرکت میدانند.

🔴اشکال ۳:

از یک طرف اول باید نمایندگان موجود شوند تا شخص حقوقی به وجود اید و از طرف دیگر باید شخص حقوقی ای داشته باشد که نماینده ای را وکیل خود قرار دهد

یعنی وجودنماینده متوقف بر وجود شخص حقوقیست

و وجود شخص حقوقی متوقف بر وجود نمایندگان است وهذا دور باطل

پاسخ:

شخص حقوقی‌قبل از تعیین نماینده هم محقق میشود و با تعیین نماینده فقط شخص حقوقی رسمیت پیدا میکند

⭕اشکالات مختص به وکالت از طرف شرکا👇

🔴اشکال اول:

بایستی همه شرکا وکالت و عزل وکیل را بپذیرند حال آنکه مجمع عمومی‌بر اساس رای اکثریت عمل میکند نه همه شرکا

پاسخ:

۱. قانون فرد انتخاب شده توسط اکثریت را برای اقلیت نیز وکیل و تصرفات اورا نافذ میداند

۲. سهامداران هنگام خرید سهام قواعد شرکت (ازجمله‌ایت موضوع) را پذیرفته اند

۳. سهامداران هنگام خرید سهام پذیرفته اند که تصرفات وکیل اکثریت، درحق آنها هم نافذ باشد

🔴اشکال ۲:

وکالت با مرگ‌یا عروض اسباب حجر برای موکل باطل میشود حال انکه نمایندگان اشخاص حقوقی در چنین حالتی، تا زمان نصب مدیر جدید به فعالیت خود ادامه میدهند

پاسخ:

۱. بطلان وکالت در فرض موت یا عروض اسباب حجر،مسلم نیست

۲. در زمان رخ دادن چنین اتفاقی،قانون یا عقلا یا اساسنامه نماینده شخص حقوقی راوکیل برای ورثه، مجنون، بیهوش قرار میدهد یا حداقل تصرفات او را در حق آنها نافذ میداند.

- اشکال ۳:

وکالت زمانی اتفاق می افتد که سهامداران توانایی انجام فعل را مباشرتا داشته باشند ولی وکیل بگیرند،حال انکه در مانحن فیه سهامداران نمیتوانند در امور شرکت مداخله کنند.

پاسخ:

اصل این شرط(صلاحیت بالفعل سهامداران برای اقدام مباشری) برای وکالت صحیح نیست وصرف داشتن صلاحیت ذاتی برای انجام تصرفات کافیست

✓نظریه دوم: نیابت قانونی

- طبق این نظریه، قانون برای نماینده شخص حقوقی اختیارات قرار میدهد واورا برای انجام برخی تصرفات از طرف شخص حقوقی منصوب میکند

- ولایت:

۱. در لغت: بین دو چیز فاصله ای نباشد ومتصل باشند

۲. در اصطلاح:

ولایت، سلطنت اعتباری بر مولی علیه است که با توجه به این سلطنت، تصرف در مولی علیه واموال او از نظر تکلیفی و وضعی جایز خواهدبود

- تفاوت ولایت و وکالت:

۱. برای وکیل سلطه بر موکل اعتبار نشده است اما ولی در اموال یا بدن مولی علیه میتواند تصرف کند

۲. تصرفات وکیل به نیابت از موکل است اما تصرفات ولی از طرف خودش است

- قیمومیت:

۱. لغت: قائم شدن به امر شخص یا گروه

۲. اصطلاح: کسی که عهده دار کار های افراد عاجز است

- تفاوت قیمومیت و وکالت:

۱.برای وکیل سلطه بر موکل اعتبار نشده است اما در قیمومیت در اموال یا بدن فرد میتواند تصرف کند

۲. تصرفات وکیل به نیابت از موکل است اما تصرفات قیّم از طرف خودش است

⭕اشکالات وارد بر نظریه‌نیابت قانونی:

🔴اشکال ۱:

محجوریتی که در اشخاص حقیقی وجود دارد امری موقتی است وبعدا برطرف میشود لکن اشخاص حقوقی بصورت طبیعی فاقد اهلیت هستند پس نمیتوان مساله نیابت در اشخاص حقیقی را به اشخاص حقوقی سرایت داد

🔴اشکال ۲:

خود دولت، شخص حقوقی است که رسمیت یافتن آن منوط به تعیین مدیر آن توسط مقام بالاتر(قانون) است در حالی که در مورد اولین دولت تشکیل شده، نهادی وجود نداشته که برای دولت ولی تعیین کند

پاسخ:

نیاز نیست مدیر دولت الزاما توسط دولت‌دیگرتعیین شود بلکه عقلا هم‌میتوانند برای مدیر دولت ولایت قائل شوندو اورا نصب کنند(ولایت عرفی)

🔴اشکال ۳:

تصرفات نمایندگان اشخاص حقوقی به‌خود شخص حقوقی‌منسوب‌اند حال انکه‌تصرفات ولی به مولی علیه نسبت داده نمیشود

پاسخ:

در حقیقتِ سلطه، شرط نیست که‌تصرفات انجام شده به‌مولی علیه انتساب داده نشود

🔴اشکال ۴:

در باب ولایت ابتدا باید مولی علیه وجود. داشته باشد تا بعدا برای ولی جعل ولایت شود حال انکه گاها شرکت ها بعد از تعیین مدیر تشکیل میشوند

پس رابطه بین مدیر وشخص حقوقی از باب ولایت قانونی نیست

☑️نظریه سوم: جهاز یا رکنیت

🔴جهاز:

یعنی ابزار و نماینده شخص حقوقی به مثابه ابزاری است که شخص حقوقی از طریق آن به انجام فعالیت های خود می پردازد

🔴رکنیت یعنی:

۱.تازمانی که نماینده شخص حقوقی مشخص نگردد اساسا شخص حقوقی تشکیل نخواهد شد

۲.جایگاه مدیریت ونمایندگان جزئی از شخص حقوقی است

🔴اشکال وارد بر نظریه‌رکنیت یا جهاز:

اینکه نماینده شخص حقوقی، یک شخص حقیقی باشدوجزئی از آن باشد، دور از عقلانیت است

چون هدف از تشکیل اشخاص حقوقی این است که‌افراد حقیقی مسئولیت برخی امور را برعهده نگیرند که با این نظریه چنین اتفاقی نمی افتد

⭕مشروعیت نماینده شخص حقوقی از چه جهاتی است؟

۱.شارع، منصب وکالت،ولایت یا رکنیت را پذیرفته وآنرا برای شخص حقوقی اعتبار کرده است

۲و۳. از نظر تکلیفی ووضعی تصرفات نماینده شخص حقوقی جائز ونافذ باشد

⭕شروط نماینده شخص حقوقی چیست؟

۱.عامه:بلوغ،عقل،اختیار،رشد و همه شرایط نمایندگان اشخاص حقیقی

۲.خاصه:سن مشخص،عدم سوء سابقه، مدرک‌تحصیلی خاص

نکات مهم فصل اول: ملکیت شخص حقوقی

✅مقام اول: اسباب تملک

🔵اسباب تملک چیستند؟

۱. تخصیص اموال از سوی موسسین

۲. حیازت

۳. احیای موات

۴. عقود وایقاعات

🔵ادله مشروعیت اسباب تملک:

۱. عمومات واطلاقات امضای معاملات:

اگر سبب تملک داخل در عنوان عقد یا شرط باشد،ادله وفای به عقد وشرط شامل آن خواهد شد

مثال:

اگر انجام عقد موجب تملک شخص حقوقی شده باشد مشمول آیه«اوفوا بالعهد» شده و از لزوم وفای به این عقد، حصول سببیت عقد برای تملک در مورد شخص حقوقی اثبات میشود

۲. بنای عقلاء

الف) اسباب تملک، عقلائی هستند و سیره عملی عقلاء درباره آنها وجود دارد(ارتکاز عقلائی معاصر عصر معصوم)

ب) اسبابی که در شخص حقیقی موجب تملک شده است، در اشخاص حقوقی هم وجود دارد(ارتکاز عقلاء)

ج) الغاء خصوصیت از اشخاص حقوقی معاصر زمان شارع

۳. منجر شدن عدم‌مشروعیت اشخاص حقوقی به اختلال نظام

۴. قاعده عدم‌ذهاب حق‌مسلم:

اگر اسباب‌تملک پذیرفته نشوند موجب‌تضییع حقوق مسلمین میشود

۵. ولایت فقیه:

از اسباب تملک، هرمقداری که در نظر فقیه دارای مصلحت عامه باشد، امضاء خواهد شد

🔵ادله خاص باب حیازت و باب اِحیا (روایات)، درمورد شخص حقوقی قابل تمسک نیست

✅مقام دوم: اسباب تملیک

شخص طبیعی میتواند اموال خود را از طریق معاملات تملیکی مانند بیع، به ملکیت دیگری دراورد واین اسباب شامل اشخاص حقوقی هم میشود

✅مقام سوم: اسباب قهری انتقال

🔵انتقال قهری یعنی بدون انشای نقل، انتقال صورت بگیرد مثل: عامل تحقق مرگ، تعلق خمس وزکات، ارتداد

✅مقام چهارم: اسباب زوال ملکیت

زوال ملکیت یعنی ملکیت شخص ازبین رفته‌ولی داخل در ملکیت دیگری نمیشود

اسباب زوال ملکیت شخص حقیقی:

۱. تحریر:

اگر شخص حقیقی زمین خود رابه مسجد واگذار کند زمین از ملکیت‌او خارج میشود اما در ملک کسی داخل نمیشود

۲. اعراض:

مالک علاوه بر الغای ملکیت درنفس یا کلام، در عمل خارجی هم مال را از سلطه خود خارج کند

۳. تهاتر قهری:

یک فرد،مالی را در ذمه دیگری مالک باشد ومدیون بعد از آن، مثل ومشابه همان را در ذمه آن فرد مالک شود. در صورتی که دو مال ازنظر جنس و مقدار و همچنین از نظر حال وموجل بودن یکسان باشند، تهاتر رخ می دهد و هرکدام در قبال دیگری ساقط خواهد شد.

نکات مهم فصل دوم: حقوق شخص حقوقی

حق:

۱. معنای عام: اعم از ملک و غیر ملک

۲. معنای خاص: مقابل وملک و اضعف از ملکیت مثل حق سبق در مسجد

سبق برای شخص حقوقی متصور نیست وصرفا توسط نماینده آن صورت میگیرد

خیارات دو قسم هستند:

۱. باشرط کردن متعاقدین ثابت میشود

این نوع شرط کردن خیار، درمورد معاملات شخص حقوقی هم ثابت خواهد بود بخاطر عموم ایه (اوفوا بالعقود)

۲. در اثر جعل عقلایی و شرعی به وجود می آیند که سه قسم هستند:

الف) مستند خیار، دلیل لفظی عام است مثل حدیث لاضرر که مبنای خیار غبن است

ب) مستندخیار دلیل لفظی خاص است مثل خیار مجلس

ج) مستند آن دلیل لبی، سیره عقلاء، سیره متشرعه یا ارتکاز عقلایی و متشرعی است

درصورتی خیار مستند به دلیل لفظی عام و یا بنای عقلا باشد، در مورد شخص حقوقی قابل اثبات هستند